

## فصل چارده

عوامل قریب انقلاب کبیر فرانسه بعد از نیمه قرن هژده

معمولا آنچه توجه تألیف کنندگان تاریخ را جلب میکند، تغییر و تحول نی بلکه محض نتایج ظاهر است که بدنبال تغییر و تحول ظهور مینماید. تاریخ راستین آدمیان عبارت از تاریخ تما یلات و عواطف او است که بواسطه دستگاہ تفکر احساس می گردد، نه حوادثی که حواس آنها در می یابد. ازین لحاظ است که در هیچ دوره ای از ادوار تاریخ، حوادث به ترتیب سنه وقوع و ثقت و درستی این سنه ها، بنحوه ای که پیش عتیقه شناسان و شجره نویسان معمول و معتبر است، ملاک اعتبار نبوده است. شهزاده ای رخ در نقاب خاک می کشد و یا مصافی منتهی بشکست می گردد، یا انتقال سلطنت بد و دمان دیگری و نظایر آن، آنها همه پدیده هایی است که کاملاً در حدود قلمرو حواس، وقوع می یابد و آنها را حتی ناظران و شاهان بغایت بیعرضه هم میتوانند، در همان لحظه حدوث ثبت دفترچه خود بشکنند. اما انقلابات عظیم و ژرف ذهنی و فکری را که اساس همه تحولات و انقلابات دیگری را طرح میریزد، هر بیسواد و کم سو به نمی تواند ملتفت شود و یا ارزیابی کند. این که بتوان بپیر تحول فکر بشر رادرک نمود بایستی آنرا از چندین جنبه تحت تدقیق قرار داد. آنگاه نتایجی را که از مطالعات جدا گانه کسب شده، توافق و انسجام بخشید. صرف باین وسایل است که میتوان به برخی نتایج واصل شد و نظریات کلی اقامه کرد. دران صورت همچون حد وسط هایی که معمولاً بنزاع تخمین بعمل می آریم، هر قدر بر شماره امثال و شواهدی که این نتایج از آنها گرد آورده شده، افزایش یابد، گویا بهمان پیمانہ بر منزلت و اعتبار نتایج و نظریات اقامه شده خواهد افزود. اینکه روش فوق، سهل الوصول و میسر و خالی از اشکال و خطر است نه فقط از روی تاریخ علوم طبیعی مبرهن می گردد بلکه این حقیقت دیگر هم دلیل راستین مفید بودن روش مذکور است که آن مبنای

کشف حقایق تجربی و به بیان دیگر بمنزله چراغ برنوری است در پیش پای آدمیان هوشمند، در مسیر آن حوادث جاری حیات که هنوز با قوانین علمی انطباق نیافته است. واقعاً، حقایق حاصل شده از تجربه و معلومات ناشی از مشاهده، که این همه اهمیت و ارزش بدان نهاده می شود، و به یک نظر ذکاء و دانش انسان جز آن نمی باشد، چیزی نیست که به کمک و معارفت آله ای باشی نظیر حفظ ما تقدم هابی که مورخ فلسفی مشرب در پیرامون خود، بسان حصارها و دژهای نگهبان، بایستی احیاء کنند، فراهم گردیده باشد.

بدین جهت، اعتراض مهم و حقیقی بر تعمیمات راجع به تکامل هوش و شعور ملت ها این نیست که این تعمیمات و اصول مفید یقین نمی باشد بلکه حق آن است که اینها فاقد و نواق و قطعیت است. و این عیناً همان نقطه است که در آن حدود و قلمرو و مؤرخ از وقایع نگار تفکیک می گردد. بطور مثال: این نکته که عقل و دانش مرد انگلیسی، بتدریج، هر چه بیشتر دیموکراتی و باچنانکه در کشور او اصلاح شده لیبرال میگردد، بقدری یقینی و مطابق به واقع است که پوشیدن تاج امپراطوری کشور مذکور بواسطه ملکه و بیکتوریا با حقیقت دارد. ولی باید همواره بیاد داشت که اگر چه آن دو مطلب مساویانه مطابق به واقع است، ولی مطلب دوم نتر و قاطع تر می باشد..... ختم

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

### آخر الامر

سالها خاطر مرا از نشناط  
 ماه طبعم همیشه خیرم بود  
 هیچ پروای قیل و قال نبود  
 مهر جان را سر زوال نبود  
 چرخ میخواست تا کند ضرری  
 لیکنش قدرت و مجال نبود  
 آخر الامر آنچه خواست بکرد  
 بطر بقی که در خیال نبود

(ابن یمن)